



سال چهارم | شماره ۱۴ | تابستان ۱۴۰۲ | ش. مجوز: ۶۵۳/ک ن ش

فصلنامه فرهنگی اجتماعی کانون مهدویت دانشگاه شیراز

امید مهدوی

◆ از بنی اسرائیل تا ایرانیان

◆ نوری در دل شب

◆ جنگ جهانی زامبی، اعتراف تلخ

◆ صهیونیست‌ها به وعده قرآن



امید مهدوی در گفتگو با دکتر علی رضا فتاحی

معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه جامع علمی کاربردی استان فارس



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سخن سردبیر

«بَسْمِ رَبِّ الْمَهْدِيِّ»

هرکس قدمی بهر خدا بر دارد

آینه سینه اش جلابر دارد

من معتقدم یوسف زهر آید

گر فاطمه دستی به دعا بردارد

در دنیای مدرن امروز نرخ افسردگی در بالاترین سطح تاریخ بشریت قرار دارد. به همین دلیل بسیاری از کشورها با تفکر غربی نظیر ژاپن، اقدام به تشکیل وزارتخانه‌تهنهایی یا افسردگی کرده‌اند. انسانی که روزی می‌خواست با فتح مریخ و ماه، ساختن ساختمان‌های چندصدمتری، کسب سکوه‌های قدرت و... به بالاترین حد سطح کیفیت زندگی برسد اکنون در منجلاب ناامیدی و پوچ‌گرایی دست و پنجه‌نرم می‌کند.

«امید» و «انتظار» دو مفهومی هستند که در همه جوامع و برای انسان‌ها اهمیت دارند؛ «امید» به طور کلی به داشتن امیدواری و اعتقاد به تحقق خواسته‌ها مربوط می‌شود، در حالی که «انتظار» به داشتن انتظار و انتظار برای رخداد رویدادها یا تحقق امیدها اشاره دارد. «امید» و «انتظار مهدوی» یک مفهوم بسیار مهم در دین مبین اسلام است و برای مسلمانان اهمیت بسیاری دارد. این امید موجب می‌شود که انسان‌ها در مقابل مشکلات و آزمایش‌های الهی قوی‌تر شوند و تلاش بیشتری برای بهبود کیفیت جامعه و جهان کنند. این امید و انتظار به انسان‌ها انرژی و قدرتی می‌دهد تا به دستاوردهای بزرگی برسند و به عدالت و صلح نزدیک‌تر شوند. امید و انتظار مهدوی به ما یادآوری می‌کند که بر روی مقاصد زندگی تمرکز کنیم و به سمت اهداف خداوند ببینیم. این دو به انسان‌های شریعتمدار آگاهی می‌دهند که تحت نظر قوانین الهی قرار دارند و باید در زندگی خود از اصول اخلاقی و انسانی پیروی کنند.

با توجه به بحران حاد انسان‌امروزی کوشیدیم تا شماره چهاردهم نشریه موعود را با موضوع «امید و انتظار مهدوی» به ساحت مقدس امام‌زمان (عج) تقدیم کنیم؛ امید است این تلاش مورد توجه و عنایت امام عصر (عج) قرار گیرد.

فصلنامه فرهنگی اجتماعی کانون مهدویت دانشگاه شیراز

سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۴۰۲ | اش. مجوز: ۶۵۳/کنش

صاحب امتیاز: کانون مهدویت

مدیر مسئول: فاطمه جاوید

سردبیر: سنا جنگجو

اعضای هیئت تحریریه: زهرا شمشیری،

حمیدرضا قربانی، لیلا حاجی، ریحانه مفتاح،

سنا جنگجو، فاطمه جاوید، عبادالله رفیعی

استاد مشاور: دکتر غلامرضا کافی

ویراستار: نرجس کیانیان راد

طراح و صفحه‌آرا: خانه طراحان میعاد

فهرست مطالب

۲ در جستجوی حضور، در انتظار حضور

۴ از بنی اسرائیل تا ایرانیان

۵ برای ظهور

۶ نوری در دل شب

۷ معرفی فیلم

۱۳ معرفی کتاب

۱۴ نقش معلم در زمینه‌سازی ظهور

۲۰ مصاحبه

۲۶ از کانون چه خبر!؟



عاشق بودم اما عشقش را باور نکردم! باید دعای فرج را گشایش بدانم، گشایشی در سراسر زندگی ام؛ زندگی یعنی پا در رکاب امام خود باشی، جان نثار صاحب خود باشی، فدایی ای ارباب خود شوی ولی شرمنده آقا جان! همه جا بودی ولی ما توان شناخت بزرگ مردی چون شما را نداشتیم. در کنارمان نفس میکشی ولی باز هم به دنبال چشم می چرخانیم؛ ما بد کرده ایم اول به خود، به وجودمان و بعد به دل هایمان. گناه، دل هایمان را تیره کرد و محبت آسمانی ات از دل هایمان پر کشید ولی نفهمیدیم وجودمان عادت به بی پناه بودن کرد و پناه خود را گم کرد، باز هم نفهمیدیم!

چشم هایمان، دست هایمان و قلب هایمان، هیچ کدام بنده ات نشدند چرا که اگر بنده بودند مطیع می شدند و نا فرمانی ات نمی کردند ولی آقا جان ساده بگوییم: «خیلی دوستت داریم بیش از آنکه دلمان بخواهد.» ولی یادمان می رود گناه میان ما فاصله می اندازد، فراموش می کنیم گناه، سقوط از چشمان شماست ولی بدان! دل هایمان، تمنای ظهورت را دارند، قلب هایمان آشفته شده و آرامشی چون شما را طلب می کند، چشم هایمان سو ندارند و دیدار شما را التماس می کنند؛ در آخر سراسر وجودمان عاجز شده و وصال شما را بر سر تمام موجودات عالم فریاد می زند.

آقا جانم! یا اباصالح المهدی ادرکنی!
 خنده بر هر درد بی درمان دواست
 خنده ام بی تو نمی آید بیا
 برگرد آقا جان! بیا و بمان!
 دلم با نگاهت آشناست، قبولش بنما!

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفِرَجَ»

در جستجوی حضور، در انتظار ظهور

لیلا حاجی

(دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی)

سلام به آقای مهربانی! آقای عدل و داد! آقای رحم و عاطفه! بدون آنکه چشمانم توان دیدن سیمای نورانی ات را داشته باشد. از دور با دلی پر التهاب سلام می کنم! شاید این بار، گوش هایم جواب سلامت را بشنوند. ای آقای مهربانی! شرمنده ام! شرمنده ام که سال ها هستی ولی در نبودن پنهان شده ای، حضری ولی در غیبت به سر می بری، از احوال ما آگاهی ولی ما در بی خبری غرق شده ایم، می شنوی ولی ما در ناشنوایی به سر می بریم، از دعای شما این چنین رشد کرده ایم ولی هیچ وقت خالصانه و عاجزانه دعای فرج برایت نخوانده ایم.

آقای من! بیخوش! می دانم جز ترک گناه چیزی نمی خواهی، می دانم چه روزها برایم طلب مغفرت کرده ای، به یاد دارم چه خطاهایی کرده ام، از حال بد خودم تعجب کرده ام، نمی دانم درمان بی قراری های عالم چرا نمی آید؟ در شگفتم! جز شما صاحبی ندارم، جز شما تکیه گاهی ندارم، هستی ام برای شماست ولی چطور این همه سال دوری ات را طاقت آورده ام، وای بر من که نشناختمت، نشناختمت که گناه کردم و توبه نکردم! سلام کردم و جوابی نشنیدم! انتظار داشتیم ولی منتظر نبودم،



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي جَعَلَ الْمَوْتَ
وَالْحَيَاةَ لِلنَّاسِ
أَسْمَاءً وَأَنْعَامًا
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلنَّاسِ أَسْمَاءً
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلنَّاسِ أَسْمَاءً
وَالَّذِي جَعَلَ
لِلنَّاسِ أَسْمَاءً



از بنی اسرائیل تا ایرانیان

حمیدرضا قربانی

(دانشجوی کارشناسی زمین شناسی)

همه ادیان الهی در زمان خود، بهترین و امن‌ترین راه برای رسیدن به رستگاری بودند. خدای تعالی خطاب به نوادگان یعقوب (ع) می‌فرماید: «یا بنی اسرائیل... اَنِّیْ فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعَالَمِیْنَ»؛ ای بنی اسرائیل! شما را بر جهانیان برتری دادم.

خطاب این آیه قطعاً شامل یهودیان دوران پیامبر اسلام (ص) و پس از آن نیست، بلکه شامل پیروان پیامبرانی؛ مانند موسی و عیسی (ع) است که در زمان خودشان، مکلف به پیروی از این رسولان الهی بودند. همچنین مراد از برتری بر جهانیان، برتری بر همه انسان‌ها در تمام ادوار تاریخ نیست، بلکه مراد برتری یهودیان مؤمن در زمانی که دین یهود در آن زمان حجت بود، بر دیگر انسان‌های همان برهه از تاریخ است. این برتری از زبان حضرت موسی (ع) نیز عنوان شده است [موسی با یک دنیا شگفتی و تعجب] گفت: «آیا غیر خدا را [که هیچ‌گونه شایستگی پرستش ندارد] به عنوان معبود برایتان طلب کنم؟ در حالی که اوست که شما را بر جهانیان [روزگارتان] برتری داد.» (اعراف، ۱۴۰)

برتری و نعمت، از هدایت و ایمان گرفته تا رهایی از چنگال فرعونیان و باز یافتن عظمت، استقلال، استفاده از غذای ویژه آسمانی (۵۷، بقره) و... که قرآن داستان بسیاری از این نعمت‌ها بیان کرده است. در قرآن تنها بنی اسرائیل برتر به شمار نیامده‌اند، بلکه افراد و گروه‌های دیگری نیز به عنوان فرد و گروه برتر اعلام شده‌اند. (آل عمران، ۳۶)

در نهایت باید توجه داشت که برتر بودن و برگزیده خدا بودن، انتظارات را زیاد می‌کند؛ لذا می‌بینیم که در بسیاری از آیات، خداوند آنها را بیشتر از دیگران جهت اشتباهاتشان، ملامت و سرزنش می‌کند. بعد از آن اعراب شامل امدادهای الهی شدند؛ اما دین خدا را یاری نکردند (فرقان، ۳۰)، جانشینان بر حق پیامبر را از قالب هدایت حکومت پیامبر دور کردند و آنان را از ابتدای ایشان؛ دوره حضرت علی علیه السلام، شهید کردند. ایرانیان در قرآن و چشم انداز آن، جایگاه خاصی دارند و همین مسئله، پیشینه ایرانیان را در برابر چشم نوجوانان، جوانان و بزرگ سالان ایرانی نمایش می‌دهد تا بیشتر فکر کنند که سابقه آنان چیست؟ و چه موقعیتی در پیشگاه رهبران اسلامی دارند؟ و در نتیجه، بیشتر در حفظ آن بکوشند و در برابر تهاجم رنگانگ دشمنان، تسلیم نشوند.

«هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» (محمد: ۳۸)

آگاه باشید! شما اشخاصی هستید که دعوت می‌شوید تا در راه خدا انفاق کنید. برخی از شما بخل ورزیدند. هرکس بخل بورزد، به خود بخل کرده و خدا بی‌نیاز است و شما همه نیازمندید، و هرگاه سرپیچی کنید، خدا گروه دیگری را جای شما می‌آورد. پس آنان مانند شما نخواهند بود و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می‌کنند. هنگامی که رسول خدا (ص) آیه شریفه «وَإِنْ تَتَوَلَّوْا» را تلاوت کردند، حاضران عرض کردند: «ای رسول خدا! کسانی که اگر ما اعراض کردیم خدا آنان را جانشین ما می‌کند و آنان مانند ما نخواهند بود، کیانند؟»

رسول خدا دست بر ران سلمان فارسی زد و فرمود: «این مرد و طایفه اش هستند.» سپس اضافه نمود: «اگر دین خدا آویزه ستاره ثریا باشد، حتماً مردانی از فارس به آن خواهند رسید.»

(ابونعیم اصفهانی، تاریخ اصفهان، ج ۱، ص ۴ / متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۹۰، ح ۳۴۱۲۶).



لیلا حاجی

(دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز)
قرار است قدم قدم شبیه شما شوم؛ نیت هایم به جا و حساب شده باشند،
کردار و رفتارم درست و منطقی باشد، حرف ها و سخنانم از روی عقل باشند. من
می خواهم بر روی رفتارم کنترل داشته باشم؛ به یاد وصیت نامه های شهدای
دفاع مقدس می افتم، شاید خیلی هاسن و سال کمی داشتند، ولی بزرگ مردانی
آسمانی بودند؛ اهل مراقبه و محاسبه بودند، خودشان اعمالشان رامی سنجیدند
و محاسبه نفس می کردند. به گمانم جوانی آن ها در جبهه ها، پشت خاکریز و
تله های خاک پر از برکت بوده که ما سال های سال از رشادت آنان می گوئیم و الگو
می گیریم. هر باری که به یاد شما دعای فرج می خوانم و دعای سلامتی تان را
زمزمه می کنم، امیدوار به گشایش و فرجی هستم که خودتان فرموده اید: «باید
بخواهیم تا اجابت شود.»

ما در همین سرزمین افراد بی شماری را می شناسیم که مقتدای آن ها شما
بوده ای و برای وصال با شما از همه دارایی هایشان گذشتند؛ بعضی مال و آبرو
فدا کردند، عده ای هم جان خود را نثار ظهور شما کردند.

آقا جان! مادر این عصر مدافعان حرم را شناختیم که برای حفظ دین و ناموس
پادر رکاب گذاشتند و خود را به خطر انداختند؛ همان هایی که رشادت کردند و به
شهادت رسیدند، آن ها شمارادر نظر داشتند و برای رضایت شما چنین استوارانه
قدم برداشتند، نخواستند دین الهی بی یار و یاور بماند و عده ای آدم پست و شقی
بانام الله جنایت کنند و جان ها بستانند.

صاحب الزمان (عج)! شما صاحب و ولی ما هستید. در این روزگاری که حفظ
ایمان و تقوا به مانند نگه داشتن گلوله گداخته ای است، هوای ما را داشته باش
که عجیب گیر کرده ایم، ما نمی خواهیم لحظه ای و دمی از شما دور باشیم ولی
گاهی دنیا و سرگرمی هایش ما را مشغول می کند، مادر باتلاق دنیا پرستی گیر می
کنیم و از اصل جهان غافل می شویم. ما فراموش می کنیم و همین حافظه نسیان
کار ما را در گردابی عمیق می گرداند، ما همه تلاشمان را می کنیم تا رها شویم از
بند تعلقات و بندهایی که پایمان را نگه می دارد. شما هم با نگاه و معجزه ای ما را
به راه آورید که عجیب عاشق شما هستیم.

نوری در دل شب

زهرا شمشیری

(دانش آموخته کارشناسی حقوق دانشگاه شیراز)

روزگار ما، روزگار فراوانی رنج ها، وقوع جنگ های متعدد، استبداد گسترده، بیماری های طاقت فرسا، اختلاف شدید طبقاتی و... است. هریک از این مشکلات، به تنهایی می تواند آدمی را غرق در احساس شوم نومیدی کند و موجب درماندگی و ناتوانی او شود؛ لیکن در این شب تاریک و سهمناک، نوری دلگرم کننده ما را به سوی خویش فرامی خواند و به ما امید وانگیزه ی برخاستن و اقدام می بخشد.

امام زمان (عج) با نور هدایتگر خویش دل های پریشان ما را آرام می کند و مسیر ناب رستگاری را برایمان رسم می کند. دلیل آن که در برخی اوقات احساس پوچی می کنیم و نتیجه می گیریم که هیچ چیز در این دنیا هدفمند و معنا دار نیست این است که به آینده خود باهراس و تردید نگاه می کنیم حال آن که ما امام روشنگری داریم که با ظهورش تمام بدی ها محو می شود و نیکی در جهان منتشر می شود. ما باید عمیقاً به این مطلب ایمان بیاوریم که غلبه خیر بر شر، سنتی الهی است که با اراده خداوند محقق می شود. تنها در این حالت است که جان هایمان استحکام می یابند و یقین بر آن ها حکم فرما می شود.



سبیل محمد مهدوی پوریزدان پرست (دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم)

همه چیز در فیلادلفیا روال عادی خود را دارد تا اینکه ناگهان مخاطب با دیدن تهاجم انسان‌هایی وحشی که به سرعت می‌دوند و حمله می‌کنند غافل گیر می‌شود، معلوم می‌شود این افراد به نوعی ویروس مبتلا شده و خصلت‌هایی غیر انسانی پیدا کرده‌اند نام زامبی نام مشهوری است که پیش از این در فیلم‌ها و بازی‌های متعددی بکار رفته.

زامبی‌ها به انسان‌های شهر فیلادلفیا حمله کرد و با گاز گرفتن آنها طی ده ثانیه زامبی دیگری بوجود می‌آید سرعت تبدیل انسان‌های دیگر به زامبی‌های جدید آنقدر زیاد است که جای واکنش و یا حتی فرار نیز بجا نمی‌گذارد.

شخصیت اصلی فیلم گری لین یک مامور سابق تجسس سازمان ملل است که سال‌های زیادی از عمرش را در کشورهای در حال جنگ و نزاع گذرانده اما حالا به دلیل رسیدگی به خانواده و مشکلاتی که در موقعیت شغلی اش در سازمان ملل با آن روبرو شده، برای همیشه این کار را ترک کرده است.

بزودی مخاطب با دنیایی روبرو میشود که زامبی‌ها آن را تسخیر کرده‌اند و گری لین مامور سابق تجسس سازمان ملل بنا بر تخصص خود به خدمت فراخوانده می‌شود خدمتی که از حد مشکلات فردی او و سازمان ملل فراتر است و او بدون درنگ همکاری با سازمان ملل را قبول می‌کند.

وابستگی او به سازمان ملل به بیننده حس بی‌طرفی و مستقل بودن را القا می‌کند.

او فیلادلفیا را به مقصد نیوآرک، نیوجرسی ترک می‌کند جایی که او و خانواده اش توسط هلیکوپترهای نجات به یک ناو هواپیمابر دور از ساحل برده می‌شوند. آنجا به او پیشنهاد معامله‌ای می‌شود: اینکه اگر او موافقت کند با یک اپیدمیولوژیست و تیم محرمانه‌اش در جستجوی بیمار Zero یا اولین فردی که به این بیماری مبتلا شده همکاری کند، او و اعضای خانواده‌اش می‌توانند درون ناو برای همیشه در امان باشند. سپس او سوار هلیکوپتری نظامی با مقصد کره جنوبی میشود.

او مشخصاً بدنبال چگونگی ایجاد و انتشار این ویروس است، کره جنوبی اولین جایی است که زامبی‌ها گزارش شده است اما در کره جنوبی نکته قابل توجهی بدست نمی‌آید جز تاجر اسلحه‌ای که با سی‌آی‌ای ارتباط داشته و به کره شمالی اسلحه می‌فروخته و هم‌اکنون در بازداشت سربازان سازمان ملل است مکالمه میان گری لین و او شاید چکیده کل فیلم است آنجا که گری می‌پرسد:



مرد: اونها ویروس رو به تمام طرفدارانشون میفروشن.
 گری: چرا به کره ای ها اسلحه میفروختی؟
 مرد: چرا نفروشم؟
 گری: برای زنده موندن؟
 مرد: البته
 گری: با اسلحه های تو
 مرد: اسلحه ها بدرد می خورن، تاثیر گذارن
 گری: چطوری؟
 مرد آخرین دندان مانده در دهانش را به سختی از ریشه در می آورد و به گری میگوید:
 اونها قدرت تشریحی زامبی ها را برداشتند، اونا تمام بیست و سه میلیون نفر رو تو
 کمتر از بیست و چهار ساعت از پا در آوردند.
 بزرگترین شاهکار مهندسی اجتماعی تاریخ، ماهرانه است. نه دندونی نه گاز
 گرفتنی، نه شیوع وسیعی
 گری: مزخرفه
 مرد: چرا باید برای متوقف کردنشون اونها رو بسوزونید؟
 چرا مثل طاعون دارن پیشرفت می کنن؟ چرا اسرائیل داره پیروز می شه؟
 گری: چطور اسرائیل داره پیروز میشه؟
 مرد: اونها کل کشورشون رو مهر و موم کردن و بستن. روزها قبل از اینکه زامبی ها
 به آدمها حمله کنند.
 اول بدونی، اول هم اقدام میکنی.
 گری: مردم دو هزار ساله اونجا دارن دیوار می سازن.
 مرد: آره تموم شده، تموم اون هزاران سال کار، هفته پیش تموم شده. همه چی بسته
 به زمان بندی بی عیب و نقصه.
 سپس او یورگن ورمبارن را به گری معرفی می کند تا در جستجوی جواب سئوالش
 در اورشلیم با او دیدار کند.
 ورمبارن، علت ساخت دیوار را شایعه ای دانسته که در موردش تحقیق کرده و به
 درست بودنش اعتقاد پیدا کرده او اولین بار در اطلاعیه ای از ارتش هند با زامبی ها
 مواجه شده.
 او در مسیر بازدید از دیوار حائل امنیتی در بیت المقدس به گری می گوید یهودی
 ها در ۱۹۳۰ باور نمیکردند به اردوگاههای کار اجباری نازی ها بروند و یا در المپیک
 ۱۹۷۲ قتل عام بشن و یا جنگ ۱۹۷۳ اعراب بر علیه اسرائیل را باور نمیکردند با آنکه
 شاهد تحرک ارتشهای عربی بودند.
 اینبار اما با درس گرفتن از خطرات احتمالی ورمبارن کارمند بلند مرتبه موساد با
 کشف این خطر دیوار حائل بیت المقدس را بعنوان راه نجات در اسرائیل اجرا کرده.
 سپس گری را به خانه ای می برد که از پنجره اش دیوار حائل شهر بیت المقدس را
 می بیند دیوارهایی بلند و استحکاماتی محکم از جنس دیوار حائل که امروز در
 فلسطین اشغالی موجود است.



ورمبارن می گوید: اینها هم دروازه های نجات و دیوارهای محکم اورشلیمه دو تا از محکم ترین استحکامات امنیتی اسرائیل.
گری با مشاهده ورود مردم که ظاهرهای اسلامی و عربی دارند، می پرسد: شما مردم رو راه میدین.

ورمبارن: هر انسانی رو که نجات می دیم یک زامبی برای مبارزه کمتر میشه. سربازهای اسرائیل در این فیلم سربازان صلحی هستند که هر لحظه ممکن است توسط زامبی ها به خطر بیافتند. آنها حافظ بیت المقدس مردم یهود و مسلمانانی هستند که پناهنده شده اند. و جالب اینکه سربازان شجاعی که تا پای جان با زامبی ها می جنگند.

سپس مردمان صلح طلب درون میدان که گروهی پرچم اسرائیل و گروهی پرچم فلسطین بدست دارند در کمال صلح و آرامش شروع به خواندن سرودهای عبری کرده و در فضایی صمیمانه به شادی و سرور می پردازند. یهودی ها در حال انجام عبادات خود و مسلمانها در حال انجام نماز جماعتند. دختری عریان و یهودی و دختری محجبه و مسلمان رو در روی هم سرود عبری صلح می خوانند.

مردمان عرب مسلمان به استقبال صلح می روند و به اسرائیل سرزمین امن پناه می اورند و در پناه آرامش این سرزمین به پایکوبی می پردازند.

در همین زمان هلی کوپتری از روی جمعیت می گذرد و همراهی دوربین با آن نمایی از بیرون دیوارهای بلند امنیتی به نمایش میگذارد. جایی که زامبی ها از اطراف به سمت دیوارها حرکت می کنند اما به سد بزرگ دیوارهای حائل برخورد و متوقف میشوند.

زامبی ها به صدا حساس هستند و صدا موجب تحریک و جذب آنها به سمت مرکز صدا می شود، سر و صدای زیاد پایکوبی صلح باعث تحریک زامبی ها و حمله دیوانه وار به دیوارها میشود زامبی های پراکنده از سر و کول هم بالا رفته و تپه ای زامبی بوجود می آید که به سرعت ارتفاعش به بالای دیوارها می رسد و به داخل بیت المقدس سرازیر می شوند. و بیت المقدس هم از سقوط می کند. تعداد زیاد زامبی ها و هجومه سریع و برق آسای آنها جایی برای مقاومت نمی گذارد.

در این میان تنها پسرکی لاغر اندام و پیر مردی نحیف مورد هجومه قرار نمی گیرند گویی زامبی ها آنها را نمی بینند این صحنه ها را گری در حین فرار می بیند.

سرباز زن اسرائیلی که مامور حفاظت از گری است و او را به سمت فرودگاه هدایت می کند در درگیری ها توسط یک زامبی گاز گرفته میشود و گری نیز برای عدم تبدیل او به زامبی دستش را قطع میکند.

این زن تا آخر فیلم همسفر گری میشود. آنها خود را به هواپیمای در حال پرواز می رسانند. گری از پنجره منطقه بیت المقدس و قبه الصخره را می بیند که در درگیری و دود و خون مورد هجومه زامبی ها قرار گرفته و آخرین دژ دفاعی در برابر زامبی ها هم فروریخته.

هم اکنون گری در آخرین هواپیمایی که حامل یهودیان آواره و سرگردان است و قبل از حمله زامبی ها به فرودگاه توانست برخیزد، نشسته در حالی که مسافران و خلبانان





هواپیما مقصدی ندارند. این شرایط تکراری قوم آواره یهود را تداعی می کند که در فیلمهای دیگر نیز به اشکال مختلف نمود دارد.

گری پس از مداوای دست سرباز زن یهودی است که در ذهنش صحنه های گذشته از زامبی ها و افراد معدودی که زامبی ها به آنها حمله نبردند را مرور می کند و نقطه ضعف زامبی ها را در می یابد. او بنا بر راهنمایی مامور سازمان ملل به ولز می رود به تاسیسات سازمان جهانی بهداشت و آزمایشگاه های مجهز آن که پزشکانش یکی از بخشهایش خود تبدیل به زامبی شده اند.

محققین در حال بررسی زامبی ها هستند آنها می دانند که گلوله زامبی ها را متوقف نمی کند اما راه چاره ای هم جز شلیک به سر آنها نمی شناسند. آنجاست که او فرضیه خود را امتحان میکند او دریافته که افرادی که زامبی ها به آنها حمله نکرده اند بیماران تیفوسی مننژیت و... هستند پس در این مرکز تحقیقاتی میکروب این بیماری ها را به خود تزریق کرده و موفقیت روشش را در می یابد و در حالی که زامبی ها او را نمی بینند از کنار شان عبور می کند.

عملکرد این روش اینگونه است که زامبی ها افرادی که در حال مرگ هستند و با این بیماری ها آلوده شده اند را بعنوان موجودی در حال مرگ تشخیص داده و به آنها کاری ندارند.

بزودی واکسنهای آماده این روش بعنوان استتار و نامرئی کننده در چشم زامبی هادر سرتاسر جهان توزیع شده و افراد معدود باقی مانده در جهان با واکسینه شدن شروع به تجمع و مقابله و کشتار زامبی ها می کنند.

سپس تپه های بلندی از اجساد زامبی ها نمایش داده می شود که بلدوزرها در حال تل انبار کردن و به آتش کشیدن آنها هستند.

در حالی که گوینده ناشناسی می گوید این اولشه مردن، مرگ این پایانتونه. هر چند جهنم بده اما برید به جهنم زامبی ها.

سپس راوی گری است که می گوید: اگر میتونی بجنگی، بجنگ. به کودکان کمک کنید. برای هر چیزی آماده باشید.

و آخرین جمله و شگفت انگیز ترین جمله که با پایان یافتن درام داستان گفته می شود: جنگ ما تازه شروع شده.

زامبی ها اگر چه که داستان تکراری هستند که در فیلمهای متعددی چون رزیدنت اوایل، من یک افسانه ام و بازی هایی چون ندای وظیفه نیز دیده شده اند اما جنگ جهانی زامبی ها از زامبی های بی هویت که در رزیدنت اوایل از یک مرکز تحقیقاتی سر برآورده و آمریکا را اشغال کرده اند و تنها موجودات وحشی هستند زامبی های با هویتی می سازد که اینبار با سرعت شگفت آور خود به سرعت دنیا را به اشغال در می آورند. آخرین شهر باقی مانده اورشلیم است و آخرین دژ دفاعی دیوارهای حائل ساخت دست اسرائیلی ها، فیلم خیلی زود نیت خود را آشکار میکند زامبی ها همان مسلمانانی هستند که به سرعت در حال پیشروی و فتح سنگرهای جهان هستند و آخرین دژ باقی مانده که مسلمانها نتوانسته اند انرا به تسخیر خود در آورند اسرائیل است که بنا بر حساسیت قومی یهودی خود تنها از نوادگان بنی اسرائیل تشکیل شده است و زامبی ها در آن راهی ندارند.

اما منظور از این سرعت انتشار چیست، طی سالهای اخیر موجی غیر قابل کنترل از مردمان کشورهای اروپایی و آمریکایی که به اسلام روی آورده اند وحشت صهیونیستها و کشورهای استعماری را در پی داشته و شاید این موج است که در فیلم به شکل موج واگیردار رجوع به اسلام به نمایش در آمده. ارتش اسرائیل در فیلم به مسلمانان خاصی که به آنها روی آورند پناه می دهند و با آنها سرود صلح



می خوانند و پرچم فلسطین و اسرائیل تکان می دهند و پایکوبی می کنند تا این مسلمانان پناه آورده تبدیل به زامبی های مهاجم نشوند. اما در محتوای کل فیلم نمی توان هویت ضد صهیونیستی زامبی ها و اماره هایی چون دیوار حائل را نادیده گرفت و زامبی ها را هویتی جز مسلمانان در نظر گرفت. اصلا فیلم را با هیچ زاویه دیدی جز یک صهیونیست نباید نگاه کرد چرا که جز یک فیلم تخیلی که نهایتاً قطعه ای از آن در بیت المقدس اجرا میشود به چشم نخواهد آمد.

اما در چشم یک صهیونیست و پیروسی که به سرعت جهان را به تسخیر خود در آورده و چیزی را برای مقاومت در برابر آن نیست و بزودی بیت المقدس را از دست آنها خارج می کند چیست؟ پس از اعزام یهودی ها به اردوگاههای کار اجباری توسط نازی ها و کشتار در المپیک ۱۹۷۲ و حمله اعراب در ۱۹۷۳ تهدید بعدی اسرائیل چیست، که برایش به ساخت دیوار حائل آن هم در بیت المقدس روی آورده اند؟

اینها چه کسانی هستند که گلوله توان متوقف کردن آنها را ندارد؟ در جهان واقع چه کسانی هستند که بدنبال فتح بیت المقدس هستند؟

نقش دیوار های حائل اسرائیلی و علت شباهتشان به دژهای این فیلم در چیست؟ چرا دو هزار سال است مردمان در این سرزمین در حال ساخت دیوار هستند؟

هواپیمای حامل یهودی ها بعنوان آخرین وسیله نجات چرا باز هم سرگردان و آواره است؟ و بنا بر جمله پایانی فیلم این چه جنگی است که تازه آغاز شده؟

این سئوالات می تواند تلنگرهایی باشند برای حل معمای پشت پرده این فیلم اما بد نیست رجوعی نیز به قرآن کنیم تا برخی شباهتها را بررسی کنیم.

قرآن کریم در سوره حشر آیه ۱۴ میفرماید:

اینها (یهودیان) دسته جمعی با شما نمی جنگند مگر در داخل قریه های محکم و یا از پس دیوارها (خود را پنهان سازند).

و همچنین در سوره اسرا آیه ۷ می فرماید:

آن گاه که وقت انتقام ظلم های شما (یهود) فرا رسید باز بندگان قوی و جنگ آور را بر شما مسلط می کنیم تا اثر بیچارگی و خوف و اندوه رخسار شما ظاهر شود و به مسجد، معبد بزرگ شما- مانند بار اول- داخل شوند و ویران کنند و به هر چه رسند نابود ساخته و به هر کس تسلط یابند به سختی هلاک گردانند اگر چه که تحلیل جزئی فیلم نیاز به حوصله و توان بیشتری دارد اما صهیونیستها دریافته اند که وقت انتقام ظلمهایشان فرارسیده و موج سهمگینی در راه است که نه تنها اسرائیل که دنیا را در می نوردد و بزودی فتح بیت المقدس را بدنبال خواهد داشت.

انها از هم اکنون بدنبال راهی برای مخفی شدن از دید زامبی ها می گردند تا باری دیگر پس از شکست با استفاده از نقاط ضعف آنها نتیجه اول و آخر را برای زامبی رقم بزنند، مرگ.

عبور از دیوار حائل منتقد را بیاد عبور ماشینها از دیواره شهر زایون در ماتریکس می اندازد. به هر حال در دسته فیلمهای آخر الزمان تخیلی حس مورد تهاجم قرار گرفتن اسرائیل و صهیونیست چند سالی است که مطرح میشود اما جنگ جهانی زامبی ها بر خلاف ماتریکس و دیگر فیلمها که نهایتاً زایون (نام کوه صهیون) را بعنوان شهر باقی مانده انسانها مطرح می کنند دست از رو درباستی برداشته و بسیار عربان مورد تهاجم قرار گرفتن آخرین شهر انسانها، اورشلیم را به تصویر می کشد.

تصاویری که بنوعی اعتراف تلخ به شکستی قریب الوقوع اشاره دارد و تحقق وعده قرآن و آزادی فلسطین. بیاد پیرجماران مهتان شب ظلمت گرفته معاصر، که راه آزادی قدس و انسانیت را نمایان ساخت.



شده اند را بعنوان موجودی در حال مرگ تشخیص داده و به آنها کاری ندارند.

بزودی واکسنهای آماده این روش بعنوان استتار و نامرئی کننده در چشم زامبی ها در سرتاسر جهان توزیع شده و افراد معدود باقی مانده در جهان با واکسینه شدن شروع به تجمع و مقابله و کشتار زامبی ها می کنند. سپس تپه های بلندی از اجساد زامبی ها نمایش داده می شود که بلدوزرها در حال تل انبار کردن و به آتش کشیدن آنها هستند.

در حالی که گوینده ناشناسی می گوید این اولشه مردن، مرگ این پایانتونه. هر چند جهنم بده اما برید به جهنم زامبی ها.

سپس راوی گری است که می گوید: اگر میتونی بجنگی، بجنگ. به کودکان کمک کنید. برای هر چیزی آماده باشید.

و آخرین جمله و شگفت انگیز ترین جمله که با پایان یافتن درام داستان گفته می شود: جنگ ما تازه شروع شده.

زامبی ها اگر چه که داستان تکراری هستند که در فیلمهای متعددی چون رزیدنت اوپل، من یک افسانه ام و بازی هایی چون ندای وظیفه نیز دیده شده اند اما جنگ جهانی زامبی ها از زامبی های بی هویت که در رزیدنت اوپل از یک مرکز تحقیقاتی سر برآورده و امریکا را اشغال کرده اند و تنها موجودات وحشی هستند زامبی های با هویتی می سازد که اینبار با سرعت شگفت آور خود به سرعت دنیا را به اشغال در می آورند.

آخرین شهر باقی مانده اورشلیم است و آخرین دژ دفاعی دیوارهای حائل ساخت دست اسرائیلی ها، فیلم خیلی زود نیت خود را آشکار میکند زامبی ها همان مسلمانانی هستند که به سرعت در حال پیشروی و فتح سنگرهای جهان هستند و آخرین دژ باقی مانده که مسلمانها نتوانسته اند انرا به تسخیر خود در آورند اسرائیل است که بنا بر حساسیت قومی - یهودی خود تنها از نوادگان بنی اسرائیل تشکیل شده است و زامبی ها در آن راهی ندارند.

اما منظور از این سرعت انتشار چیست، طی سالهای اخیر موجی غیر قابل کنترل از مردمان کشورهای اروپایی و آمریکایی که به اسلام روی آورده اند وحشت صهیونیستها و کشورهای استعماری را در پی داشته و شاید این موج است که در فیلم به شکل موج واگیردار رجوع به اسلام به نمایش در آمده.

ارتش اسرائیل در فیلم به مسلمانان خاصی که به آنها روی آورند پناه می دهند و با آنها سرود صلح می خوانند و پرچم فلسطین و اسرائیل تکان می دهند و پایکوبی می کنند تا این مسلمانان پناه آورده تبدیل به زامبی های مهاجم نشوند. اما در محتوای کل فیلم نمی توان هویت ضد صهیونیستی زامبی ها و اماره هایی چون دیوار حائل را نادیده گرفت و زامبی ها را هویتی جز مسلمانان در نظر گرفت.

اصلا فیلم را با هیچ زاویه دیدی جز یک صهیونیست نباید نگاه کرد چرا که جز یک فیلم تخیلی که نهایتا قطعه ای از آن در بیت المقدس اجرا میشود به چشم نخواهد آمد.

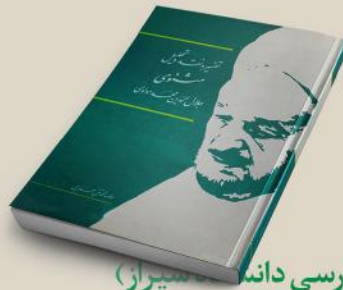
اما در چشم یک صهیونیست ویروسی که به سرعت جهان را به تسخیر خود در آورده و چیزی رابرای مقاومت در برابر آن نیست و بزودی بیت المقدس را از دست آنها خارج می کند چیست؟

پس از اعزام یهودی ها به اردوگاههای کار اجباری توسط نازی ها و کشتار در المپیک ۱۹۷۲ و حمله اعراب در ۱۹۷۳ تهدید بعدی اسرائیل چیست، که برایش به ساخت دیوار حائل آن هم در بیت المقدس روی آورده اند؟ اینها چه کسانی هستند که گلوله توان متوقف کردن آنها را ندارد؟ در جهان واقع چه کسانی هستند که بدنبال فتح بیت المقدس هستند؟

نقش دیوار های حائل اسرائیلی و علت شباهتشان به دژهای این فیلم در چیست؟ چرا دو هزار سال است مردمان در این سرزمین در حال ساخت دیوار هستند؟



مرفی کتب



یاس کبود

دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانسته سیراز

تبریز بار دیگر شاهد حضور انسانی عالی رتبه در دیار خود بود. این بار مردی با نبوغ حیرت آور و مثال نزدنی در قلب خود به وجود آورد و سال ۱۳۰۲ را با قدم خود مبارک کرد. در آن زمان درس های اولیه را نزد مادر گرانقدر خویش پیش از آن که به مدرسه برود آموخت، بعد از آن وارد مدرسه شد و علوم درسی و بحثی خود را کامل کرد، سپس وارد حوزه علمیه تبریز شد، گویا به خاطر هوش فراوان ایشان حوزه علمیه تبریز قادر به پاسخگویی آن ها نبود، پس علامه تصمیم گرفت راهی تهران، قم و پس از آن برای کامل کردن اطلاعات دینی خود راهی نجف شود. علامه محمد تقی جعفری نزد آیت الله خویی و آیت الله حکیم درس شاگردی می کرد. در نوشته های قبل هم به نبوغ چشمگیر و فراوان ایشان اشاره شد، جالب توجه است که علامه توانست در سن ۲۳ سالگی به درجه اجتهاد نائل شود. آیت الله جعفری کتاب های زیادی را در زمینه های گوناگون به رشته تحریر درآورد که ما در این مطلب به دو مورد از آنان اشاره می کنیم.

۱. کتاب تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی
۲. ترجمه تفسیر نهج البلاغه در ۲۷ جلد

کتاب مورد بحث ما در مورد امید و انتظار است که به آن حکومت الهی حضرت مهدی (عج) هم می گویند. این کتاب را آقایان؛ علی جعفری و کریم فیضی از تفسیر نهج البلاغه استاد جعفری جمع آوری کردند. این کتاب در صدد پاسخگویی به برخی از سوالات ما در زمینه ظهور حضرت مهدی موعود(عج) است.

حضرت مهدی (عج) چه کسی است؟
انسان ها در انتظار چه چیزی هستند؟
مدت حکومت ایشان چه اندازه است؟

اگر بخواهم وسیع تر در رابطه با کتاب شرح دهم این گونه است که اگر ما انسان ها خوب به اطراف خود نگاه کنیم، متوجه می شویم که برخی از انسان ها با اینکه شرایط برایشان آماده است و می توانند زندگی با ارزشی را داشته باشند آن را به زندگی پست حیوانی و مادی دنیوی فروخته اند و در تمایلات نفسانی خود فرو رفته اند.

آن ها چنان در گرداب و منجلاب مادیات فرو رفته اند که نمی توان آن ها را به راحتی از آن باتلاق بیرون آورد. حضرت مهدی موعود(عج) با ظهور خود تمام هوس های پوچ و توخالی را فرو می نشانند همان که مردم اسیرشان شده اند و در وجودشان شعله ور شده است، در آن زمان دیگر کسی را نمی بینیم که پیرو هوا و هوس باشد. در ادامه کتاب با اشعار شاعرانی چون حافظ، مولوی، عطار و سخنان بزرگان روبه رو می شویم و استفاده می کنیم.



نقش معلم در زمینه سازی ظهور

نویسنده: عبادالله رفیعی اصل
(سطح سه حوزه علمیه منصوریه شیراز)

مقدمه

«زمینه سازی» به معنای آماده کردن علل و شرایط تحقق یک پدیده است. اگر شرایط تحقق پدیده‌ای در جامعه‌ای وجود داشته باشد، زمینه سازان باید به تقویت و توسعه آن‌ها بپردازند؛ اما اگر جامعه‌ای از آن شرایط خالی باشد، زمینه سازان باید وضعیت موجود را تغییر دهند تا زمینه تحقق آرمان یا نهضتی را فراهم کنند. (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۷۲)

مهم‌ترین رکن زمینه سازی ظهور و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای حضور حجت خدا، توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان‌ها و پرورش کمالات انسانی است که در پرتو‌گزینش ایده آل برتر، از راه تعلیم و تربیت امکان پذیر است. نیروسازی و تربیت منتظران کارآمد و مسئول، محوری‌ترین عامل در زمینه سازی ظهور به شمار می‌رود. آمادگی جامعه برای ظهور حکومت مهدوی، نیازمند جلب نیرو و تعلیم و تربیت آن‌ها است. کسانی می‌توانند در نهضت مهدوی حضور و مشارکتی صحیح داشته باشند که تعلیم و تربیتی متناسب

چکیده

باور به مهدویت از اعتقادات شیعه می‌باشد که از اول اسلام و در زمان رسول اکرم (ص) مورد وعده و تأکید فراوان بوده است. باور به مهدویت یک باور حقیقی و محقق الوقوع و مورد اتفاق تمام مسلمانان می‌باشد که از شهادت امام حسن عسکری (س) و غیبت کبری منتظر امر ظهور آن حضرت هستیم و همه مسلمانان، همه شیعیان، نهادها؛ خصوصاً آموزش و پرورش و معلم که از ارکان تربیت هستند و می‌توانند نقش مهم و مؤثری در آشنایی و آمادگی جامعه مهدوی داشته باشند.

در این پژوهش به نقش مهم معلم به عنوان عنصر جامعه ساز برای تربیت دینی دانش آموزان، شاخصه‌ها و میزان تأثیر او در تربیت نسل منتظر و مهدوی پرداخته ایم.



و زمینه ساز ظهور معرفی کند. معلم زمینه ساز باید در «حیطه شناختی» نسبت به امام و جایگاه امام معرفت و شناخت پیدا کند همچنین در حوزه مهدویت دانش و اطلاعات عمیق داشته باشد. او باید به نظام تربیتی اسلام با قرائت اهل بیت (ع) اشراف یابد، جامعه و وضعیت روز همچنین ویژگی های هر دوره سنی را خوب بشناسد. او باید در «حیطه عاطفی» با امام انس داشته باشد، نسبت به نقش زمینه سازی دارای انگیزه شود، زندگی اش را با رضایت امام معصوم همراه کند، نسبت به دانش خود در زمینه مهدویت باوری عمیق یابد، زمینه سازی برای ظهور، بزرگ ترین دغدغه او به شمار آید، نسبت به متری خود دلسوز باشد و احساس مسئولیت کند و نیز در انجام فعالیت تربیتی اش رویکردی آینده نگر و آینده ساز داشته باشد. او باید در «حیطه مهارتی» به دستورات و شعائر دین اسلام ملتزم باشد، در آشنا کردن دانش آموزان

و مردم با امام زمان (عج)، نشانه های ظهور، شبهات و... توانایی خویش را نشان دهد، ظرفیت وجودی اش توسعه یافته باشد، در مقابل فتنه های زمانه و آلودگی های اخلاقی مقاومت کند، با تقوا باشد، به دانسته هایش عمل کند تا بتواند برای متری خود الگو و نمونه عینی یک منتظر واقعی شود؛ حرف و عملش در تضاد نباشد. او باید روحیه جمععی، دقت، حوصله، شخصیتی قوی، اخلاقی نیکو، مدیریت و تدبیر و همچنین تعهد داشته باشد و در انتقال مفاهیم در حوزه مهدویت از خود مهارت کافی نشان دهد. «زمینه سازی» در لغت، به معنای به وجود آوردن مقدمات انجام دادن امری

داشته و بر اثر بلوغ و رشد فکری و روحی، توان شرکت در جامعه سازی داشته باشند. از این رو، جایگاه تعلیم و تربیت، بسیار رفیع تر از جایگاه همه مناسبات و معاملات مدنی و فرهنگی به شمار می آید. در آیات قرآن و روایات به تعلیم و تربیت و نیروسازی توجهی ویژه شده است و معلم عنصر مهم و مستقیم تربیت است.

حال مسئله این است که نقش معلم در تربیت نسل منتظر چیست و شاخصه معلم زمینه ساز چیست؟

مهم ترین و کارسازترین عنصر شکل دهی رفتار نسل جدید پس از والدین، شخصیت و منش معلم است. در این راستا تأسیس مدرسه مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از ضروریاتی به شمار می رود که در زمینه سازی برای ظهور نقشی محوری و مهم ایفا می کند. (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۸۴، ۲۱۴)

می توان اذعان داشت که لازمه مدرسه مهدوی، وجود معلم مهدوی است که به آموزه مهدویت و فرهنگ انتظار مسلط باشد.

معلم برای آن که بتواند این رسالت را به بهترین صورت انجام دهد، باید خود یک منتظر واقعی باشد.

اگر معلم پشتوانه معرفتی صحیحی درباره معارف مهدوی داشته باشد و با آگاهی به مباحث مهدوی ویژگی های یک منتظر را داشته باشد، به همان میزان بر دانش آموزان تأثیر می گذارد. (ملایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۳۲) بنابراین معلم برای آن که بتواند این رسالت را به بهترین صورت انجام دهد، باید خود یک منتظر واقعی باشد.

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که معلم زمینه ساز ویژگی های فراتر از شاخصه های یک معلم مسلمان شیعه دارد؛ ویژگی هایی که می تواند او را به عنوان مربی نسل منتظر



می رود که در زمینه سازی برای ظهور نقشی محوری و مهم ایفا می کند. (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۸۴، ۲۱۴) می توان ادعان داشت که لازمه مدرسه مهدوی، وجود معلم مهدوی است که به آموزه مهدویت و فرهنگ انتظار مسلط باشد.

اگر معلم پشتوانه معرفتی درستی درباره معارف مهدوی داشته باشد و با آگاهی و آشنایی به مباحث مهدوی از ویژگی های یک منتظر برخوردار شود، می تواند به همان میزان بر دانش آموزان تأثیر بگذارد. (ملایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۳۲) بنابراین معلم برای آن که بتواند این رسالت را به بهترین شکل انجام دهد، باید خود یک منتظر واقعی باشد.

❧ نقش معلم در تربیت نسل منتظر چیست؟

این سوال خود شامل سه سؤال دیگر است که اهداف زیر را دنبال می کند:

۱_ شناسایی راه های مؤثر در توانمندسازی معلم برای آشنا ساختن دانش آموزان با امام عصر (علیه السلام) و تصویرسازی از جامعه پس از ظهور؛

۲_ بررسی میزان اثربخشی کتاب های درسی با سمت وسوی مهدوی در تکمیل و تأیید نقش معلم (نقش زمینه ساز ظهور)؛

۳_ بررسی میزان تأثیرگذاری نقش زمینه ساز ظهور معلم در تحرک و پویایی اجتماع به سمت زمینه سازی بر اساس یافته های این پرسش.

۱_ برای آشناسازی دانش آموزان با امام زمان (علیه السلام)، معلم باید خود نسبت به موضوع مهدویت شناخت و معرفت و باور داشته باشد و عوامل نیز باشد. بهره بردن از نمادهای عید نیمه شعبان، روز جمعه، ترتیب دادن مراسم خاص یا اردو، بهره گیری از دعاها و دعاها مربوط به امام زمان (علیه السلام)،

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش - راهکار ۴-۱ از هدف نخست - چنین آمده است: «ایجاد ساز و کارهای ترویج و نهادینه سازی فرهنگ ولایت مداری تولی و تبوی، امر به معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی و انتظار، زمینه سازی برای استقرار دولت عدل مهدوی با تأکید بر بهره گیری از ظرفیت حوزه های علمیه و نقش الگویی معلمان و اصلاح روش ها.» (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۱۹).

❧ نقش متناسب با هدف تحقق نسل منتظر مهدوی

تمام ویژگی هایی که طبق هدف گذاری در سند تحول بنیادین برای تربیت یافتگان و دانش آموزان در نظر گرفته شده است، نخست باید در خود معلم موجود باشد؛ زیرا این ویژگی ها زیر چتر خصوصیات معلم در دانش آموز شکل می گیرد. روشن است معلمی که صاحب این ویژگی ها نباشد، نمی تواند حتی درباره آن ها سخن بگوید، چه رسد به این که بخواهد دانش آموز را به سمت متخلق شدن به آن ویژگی ها و تحقق جامعه عدل مهدوی هدایت و رهبری کند.

زمانی معلم می تواند نسلی تربیت کند برای ظهور که نخست خودش تربیت یافته باشد و تهذیب نفس کرده باشد و طبق قاعده ای که به حق می باشد: فاقد شیئی نمی تواند معطی شیئی باشد.

❧ تأثیر معلم تربیت شده مسلط به مسائل مهدویت در تربیت نسل مهدوی

در این راستا تأسیس مدرسه مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از ضروریاتی به شمار



فضاسازی، اختصاص دادن زمانی خاص در کلاس در مدرسه به موضوع مهدویت و امام عصر (علیه السلام)، استفاده از تمثیل، داستان، شعر، ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به پذیرش مدیریت امام پس از ظهور، ایجاد و تقویت روحیه انتظار و نصرت امام، شناساندن آسیب‌ها و آفت‌ها و انحرافات در زمینه مهدویت، بیان معارف انتظار و برکات آن و بیان معارف عصر ظهور و... که البته با رعایت ظرفیت و تناسب با رده سنی و دوره تحصیلی دانش‌آموزان، مرحله بندی شده و موضوعات مطرح می‌شوند.

۲_ سمت و سودادن کتاب‌های درسی به مباحث مهدوی_ مطابق باسن، فهم و ظرفیت دانش‌آموزان_ افزون بر آن که بسیار ضروری است، می‌تواند مؤید و مکمل نقش زمینه سازانه ی معلم و بسیار اثرگذار باشد.

تحقیقات نشان داده است ایمان و باور قلبی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران از امام عصر (علیه السلام) در حد متوسط بوده و هنوز به ایمان و باور قلبی مطلوب و عمیق نرسیده‌اند. مردم جامعه نیز نسبت به حضرت و جایگاه ایشان شناخت و معرفتی که شایسته ندارند و از همه مهم‌تر از تکالیف و وظایفی که در عصر غیبت بر عهده آنان است بی‌اطلاع هستند. هنوز احساس نیاز به حضرت دل‌ها را نمی‌لرزاند و سبب دوری از گناه نمی‌شود و احساس تضاع برای دوری از حضرت - که همه فضای جامعه را پر کند- وجود ندارد. با بررسی بیشتر، ریشه این همه دوری و غفلت را در بی‌توجهی یا کم‌توجهی نهادهای مسئول و در رأس آن‌ها نهاد پرطمطراق تعلیم و تربیت می‌یابیم. (نک: طائبی، ۱۳۹۰)

بنابراین باید برای همه دوره‌های تحصیلی، دروس و حتی کتب اختصاصی تهیه شود و به صورت رسمی وارد نظام تعلیم و تربیت کشور شود. به باور تعدادی از شرکت‌کنندگان در این پژوهش، تنظیم و طراحی یک سند راهبردی برای تربیت نسل منتظر - که تحقق جامعه عدل مهدوی را محقق کند- لازم و ضروری می‌نماید تا بتواند نقشه راهی برای نظام آموزشی در طی مسیر زمینه‌سازی برای ظهور باشد. بدیهی است آموزش معارف مهدوی - که در سرنوشت شخص متعلم و بلکه جامعه جهانی نقش تمام دارد- کم‌ارج‌تر از علوم رایج در مدارس نیست. از این رو بر عهده دولت اسلامی و زمینه‌ساز است که در بعد آموزشی کشور، از دبستان تا دانشگاه با استفاده از متخصصان مباحث مهدوی و با در نظر گرفتن شرایط سنی و فهم مخاطبان متونی را تهیه کنند و جزو مواد رسمی دروس مراکز آموزشی قرار دهند. (ملایی و کریم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳)

۳_ تأثیر نقش زمینه‌سازی ظهور برای معلم در تحرک و پویایی اجتماع به سمت زمینه‌سازی و ایجاد شرایط ظهور از یافته‌های دیگر این پژوهش به است. نتیجه آن که چنان چه معلم نقش زمینه‌ساز ظهور را بتواند به بهترین شکل ایفا کند، قطعاً می‌تواند به میزان زیادی موجب تحرک و پویایی در اجتماع



تنها ممکن است، بلکه شیعیان در تعجیل و تحقق آن تأثیری اساسی و بی بدیل دارند و به آن مکلف هستند. (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸: ۶۱)

نتیجه

در این پژوهش متوجه شدیم که برای جامعه مهدوی و منتظر، باید همه سازمان ها، مردم مسلمان و شیعیان برای این امر مهم تلاش کنند ولی نقش معلم نقش بسزا و مهمی است چرا که معلم عنصر و رکن موثری در تربیت نسل جامعه می باشد و زمانی معلم می تواند مربی خوبی باشد که نخست خودش معارف مهدویت را درک کند و به صورت صحیحی بتواند تربیتی مهدوی داشته باشد.

منابع

سبحانی نیا، محمدتقی، «نظریه «تغییر» و تأثیر آن در زمینه سازی ظهور»، مجموعه مقالات پنجمین همایش بین المللی دکترین مهدویت (ج ۲)، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ ش.

موسوی، سیدمهدی، «مدرسه مهدوی (درآمدی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه ساز ظهور)»، مجموعه مقالات پنجمین همایش بین المللی دکترین مهدویت (ج ۱)، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ ش.

نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.

پورسیدآقایی، سید مسعود، «زمینه سازی ظهور»، مجموعه مقالات پنجمین همایش دکترین مهدویت (ج ۱)، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ ش.

سعدی، حسن علی؛ علیرضا کاظمی، «راهبردهای ارتقای معرفت مهدوی در نظام آموزشی»، مجموعه مقالات هفتمین همایش بین المللی مهدویت (ج ۳)، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰ ش.

شود؛ به شرط آن که نخست خود را مخاطب فرهنگ مهدویت بداند. این یافته، با معیار و کلام قرآن کریم در آیه شریفه

(إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) (رعد: ۱۱) همسواست، با متون و مطالعات انجام شده نیز مطابقت دارد.

با توجه به این که هدف ما مبنی بر ایجاد تحول جهانی برای زمینه سازی قیام جهانی با شرایط موجود تحقق پذیر نیست، نخستین کار، تحول در درون ما و جامعه ماست تا در پی آن، جهان متحول شود؛ وگرنه نباید انتظار هیچ تحولی را داشت. (مرتضوی، ۱۳۹۰: ۳۳۵).

در حقیقت افراد یک جامعه و یک ملت می توانند با ایجاد تغییر و تحول شخصی در خود، زمینه تغییر و تحول اجتماعی را نیز فراهم کنند تا این که خداوند آن تغییر و تحول را در جامعه محقق کند. (سبحانی نیا، ۱۳۸۸: ۱۴) به باور شهید سید محمدباقر صدر، علت العلل تمامی تغییر و تحولات، خواست و اراده خود انسان است که سمت و سوی این خواست و اراده هنگامی که در کنار اندیشه جدید قرار گیرد، تغییر می کند. شهید مطهری نیز معتقد است با توجه به نقش اصلی عامل انسانی در تغییرات اجتماعی، توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان ها و پرورش کمالات انسانی، مهم ترین رکن زمینه سازی و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای نوسازی است که در پرتو گزینش ایده آل برتر از راه تعلیم و تربیت امکان پذیر است. (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۷۳-۱۷۵)

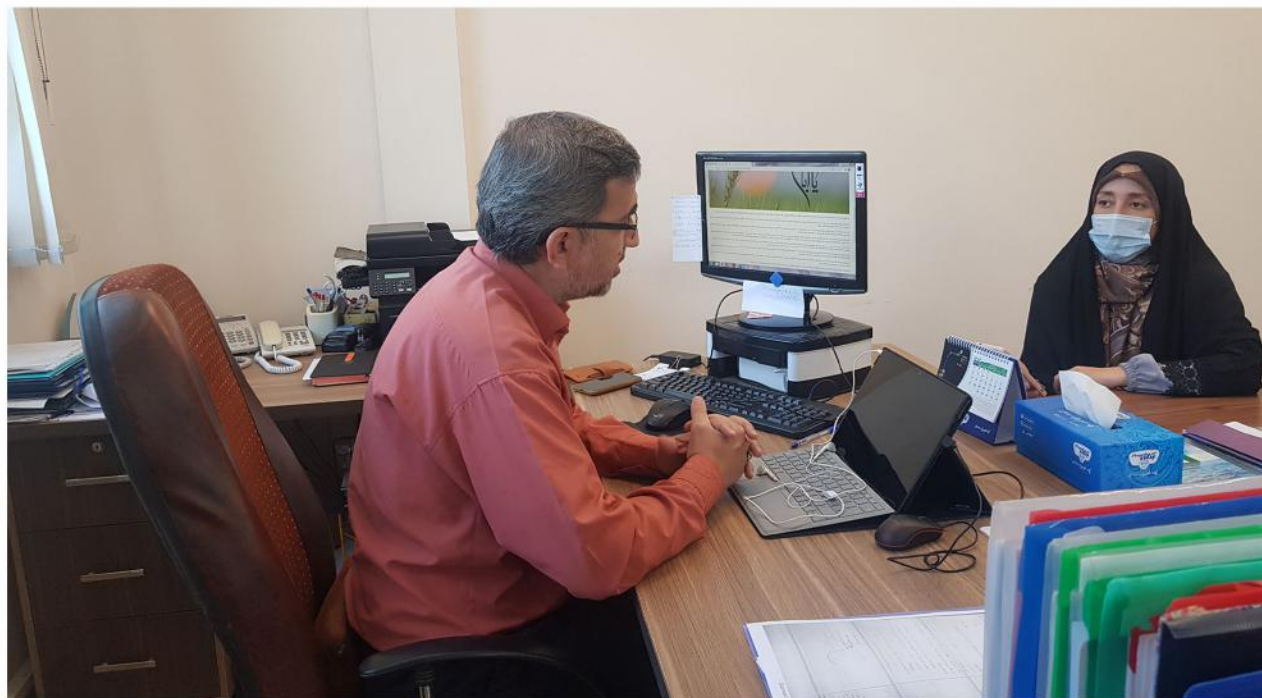
مبانی کلامی و بسیاری از آیات و روایات به روشنی بر تأثیر انسان ها در تحول وضعیت خود و تغییر جوامع دلالت دارند. از این رو می توان ادعا کرد ظهور امری است تحصیلی و نه حصولی. زمینه سازی ظهور نه

مُعَاذًا

حضرت رسول اکرم (ﷺ):

خداوند مرا
مبعوث کرده است





امید مهدوی یک نگاه آرمانی همراه با انگیزه و شوق رسیدن به آن شرایط است.

مصاحبه با معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علمی کاربردی استان فارس آقای دکتر علیرضا فتاحی

فاطمه علمداری، کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، موسسه امام خمینی (ره) قم

معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علمی کاربردی فارس گفت: امید مهدوی یک نگاه آرمانی همراه با انگیزه و شوق رسیدن به آن فضاست، که باید با سعی و کوشش همراه باشد. بطور کلی نگاه اسلام و تمام ادیان نسبت به مهدویت، به گونه ای است که حس کمال گرایی و انگیزه، امید و شوق ایجاد می کند. وی با بیان اینکه بحث اسلام و تمام ادیان، مبنی بر این بود که منجی خواهد آمد و عالم را درست و اصلاح می کند و عدالت حاکم خواهد شد. ادامه داد: در وجود مردم آن زمان با شنیدن این صحبت ها چه اتفاقی افتاد؟ ایجاد شوق، انگیزه و انرژی، برای خلق آن شرایط است. البته بهترین کار، سعی و تلاش همراه با امید برای تحقق آن شرایط مطلوب است.

ایشان افزود: حتی تصور بفرمایید انسان های دارای امید مهدوی باید طوری کارکنند که به طور مثال؛ به وجود نازنین امام زمان بگویند؛ ما شرایط را محقق کردیم و آنچه خواهان انجام آن بودید، را انجام دادیم، بنابراین شما تنها کار نهایی تحویل بگیرید و بشر را به صالح نهایی برسانید.

دکتر فتاحی با بیان اینکه بعضی از افراد و افکار قائل به این هستند که تا خود امام زمان نیاید، نمی توان آن شرایط متعالی و کامل را تحقق بخشد و تنها باید منتظر بود. ادامه داد: از نظر من این دیدگاه اشکال دارد. وقتی افراد، منتظر تحقق شرایط باشند، یعنی اینکه نه دوست دارند تلاش کنند و نه واقعا امید دارند. چون امید درون انسان ها، ذاتا مساوی و مساوق با کوشش است. در واقع اگر امید نباشد، تلاشی شکل



نمی‌گیرد و اگر تلاشی نباشد، امیدی هم نیست. وی اظهار کرد: امید مهدوی یک نگاه آرمانی همراه با انگیزه و شوق رسیدن به آن فضا است، که باید با سعی و کوشش همراه باشد. همچنین در حال حاضر نیز امام زمان برای تحقق این شرایط یاری می‌رساند.

دکتر فتاحی شاخص‌های اجتماعی جامعه دارای امید مهدوی را برشمرد که شامل: اهل سکون نبودن، پویا بودن و پویایی جهت‌دار و متناسب و هماهنگ با جهت‌های آرمانی و شریعت است. جهت‌گیری‌های جامعه باید متناسب با جهت‌گیری‌های آرمانی ظهور باشد. این جهت‌گیری‌ها شامل: عدالت، رفاه، صلح، تعالی معرفت و معنویت است. که باید سعی شود تا حد امکان در جامعه پیاده شود. وی با بیان اینکه اسلام و ادیان گذشته در مورد وجود منجی، صحنه گذاشتند و منجی را مشخص کردند، افزود: مسیحیان نیز معتقد بودند، حضرت محمد (صلی الله علیه و السلام) منجی است. البته پیامبر در زمان خود، منجی بود. اما پیامبر فرمود: منجی که منتظرش هستید، آخرین فرزند من از نسل حضرت فاطمه (سلام الله علیها) است.

معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علمی کاربردی استان فارس ادامه داد: اطلاعات جامعی در طول تاریخ و تصریح اسلام از طریق علم شکل گرفته است. (العلم سلطان من وجده صال و من لم یجد صیل علیه) علم اقتدار است. هر کس این قدرت را به چنگ آورد می‌تواند تحکم و غلبه پیدا کند. علم شاه کلید به وجود آمدن خرد جمعی در انسان‌ها است. اگر مردم در جهت شناخت دین، درک معرفت دینی، کشف حقایق دینی، درک از هستی‌شناسی، انسان‌شناسی به سطوح والایی برسند، می‌توانند در موضوعات مختلف به خرد جمعی برسند.

دکتر فتاحی افزود: ذات انسان ابزاری برای ایجاد خرد جمعی است. اگر از اکثر مردم جهان سوال کنید آیا در درون وجود خود، احساس می‌کنید که یک نفر خواهد آمد و همه هستی را از ظلم و جور نجات می‌دهد؟ خیلی از آنها جواب مثبت می‌دهند. این ذات، آمدن فرد نجات‌بخش را فریاد می‌زند. وی عنوان کرد امر به معروف و نهی از منکر ابزار اصلی اسلام برای ساختن جامعه مهدوی است و فردی که درک خوبی از مسائل مهدوی، انسان و هستی دارد، امر و نهی را در جامعه شروع می‌کند و گروه‌هایی را نیز برای این امر، پرورش می‌دهد. در نتیجه شاهد جهت‌گیری جامعه به سمت مهدویت و جامعه آرمانی خواهیم بود.

معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علمی کاربردی استان فارس با بیان اینکه بخش فرهنگی باید آن حقیقت ناب و جهت‌گیری‌های آرمانی را ارائه دهد. ادامه داد: با ارائه فضای آرمانی بسیار جذاب بشری، شوق در درون مردم به جوشش می‌آید. این شوق همواره، موتور محرک انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. نه تنها پیامبر بلکه تمام انسان‌های خوب و تاثیرگذار تاریخ با استفاده از این شوق، انسان‌ها را به سمت صلح و رشد رهنمون ساخته‌اند. در واقع اگر شوق خاموش شود، حرکتی صورت نمی‌گیرد. دکتر فتاحی اظهار کرد: حداقل وظیفه بخش فرهنگی، ارائه تصویری جذاب از آینده آرمانی به مردم است. در نهایت با پیاده‌سازی مناسب امر به معروف و نهی از منکر، می‌تواند سطح معرفت مردم را بالا ببرد.



وی با بیان اینکه جوان‌ها در درون خود این شوق را دارند و این شوق سبک زندگی را تا حدودی شکل می‌دهد، افزود: مشکلات پیرامون جوان، باعث عدم تمرکز کافی روی این جهت‌گیری‌ها شده است. وقتی که فراهم نبودن ابتدایات زندگی او مانند: نبود شغل برای فارغ التحصیلان، کافی نبودن درآمد و عدم سازگاری حرفه با توانمندیهای وی از جمله مشکلات جوانان است.

معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علمی کاربردی استان فارس ادامه داد: اما طبق سابقه تاریخی، حرکت به سمت اصلاح جامعه با نگاه آرمانی، ایجاد عدالت، رشد، افزایش معرفت به درک هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، توسط جوان‌ها شکل گرفته است. جوان با درک، رفتار و فکر صحیح به شناخت صحیحی نسبت به آن جامعه آرمانی می‌رسد و خود عامل تحقق آن جامعه خواهد شد. زیرا جوان همواره مشتاق

و فعال برای موضوعات مختلف است. لذا در همکاری با جوانان، کار سختی را دنبال نمی‌کنیم و سبک زندگی پیچیده‌ای با آنان نداریم. زیرا وقتی مسئله‌ای جزو آرمان و انگیزه او شود، خود لوازم آن را تأمین می‌کند.

دکتر فتاحی افزود: فردی که عدالت‌خواه نباشد، نمی‌تواند جامعه آرمانی را تحقق بخشد. برای ساده‌تر شدن کار، باید تصویری درست از جامعه آرمانی به جوانان ارائه دهیم. لذا ضعف نهادهای فرهنگی



این است که نتوانستند آن شوق را در دل جوانان ایجاد و آن نگاه امیدوارانه به آینده و تحقق زحمات‌های بشریت، خوب برای او ترسیم کنند. همچنین باید فیلم جذابی از تحقق آن آینده ساخته و تبلیغ شود.

وی ادامه داد: صدور مداوم پیام‌هایی از ترسیم آینده مطلوب موجب درگیر شدن ذهن جوانان با آن موضوعات می‌شود، در نتیجه خود جوانان همه لوازم آن را فراهم می‌کنند. پیامبر توانست آن نگاه آرمانی، انگیزه و شوق را در جوانان ایجاد کند. لذا ما نیز باید این دیدگاه را ایجاد کنیم. در طول تاریخ، بیشتر یاران و ایمان آوردندگان به پیامبران و امامان از قشر جوان بودند. زیرا جوان دارای فطرت پاک، جسارت، شهامت و انرژی فکری جسمی روحی است و این‌ها پیش‌زمینه‌های تحقق غایت است.

معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علمی کاربردی استان فارس با بیان اینکه پیامبر با نفوذ کلام، جذب‌ه حضور، وجود جوانان را تسخیر کرد و کارهایش را با آنان پیش برد. ادامه داد: جوانان در آن زمان بدون داشتن رفاه مطلوبی، می‌دانستند این مسیر درست است. فطرتش نیز در شناخت این طریق یاری‌رسانش بود.

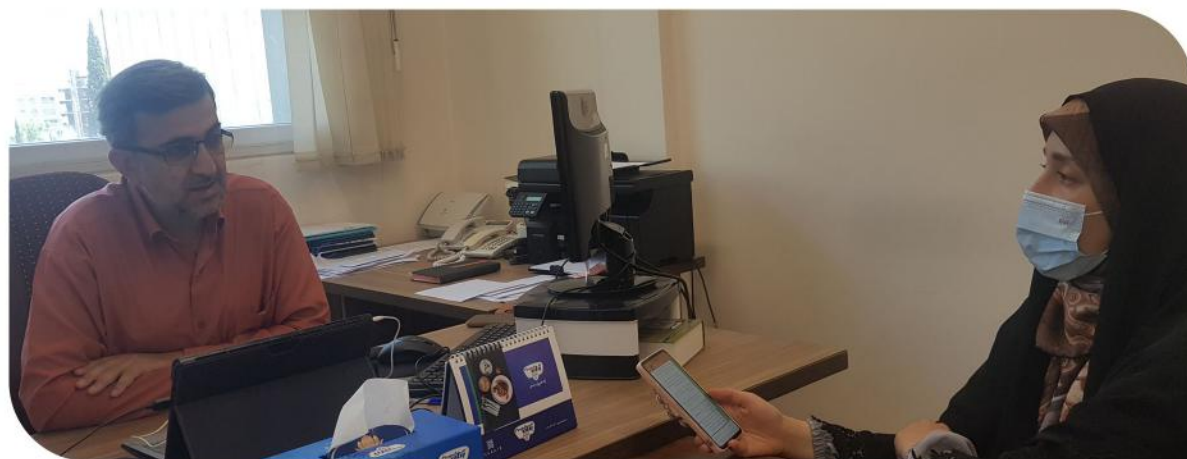
دکتر فتاحی موانع امید مهدوی را برشمرد و افزود: اگر امید خدشه دار شود، فضای جامعه و فعالیت رسانه‌ها و تبلیغات به گونه‌ای باشد که امید را در دل مردم بشکنند، این بد است و نباید گفته شود، باید بگویند که امیدوارانه به سمت تحقق ظهور حرکت کنیم. مقام معظم رهبری، امید، تلاش، جزو فاکتورهای اصلی تحقق آینده بشریت می‌دانست.



وی با بیان موانع دیگر امید مهدوی، ادامه داد: تامین نبودن اولیات زندگی مردم، نبود امنیت و رفاه اجتماعی نسبی، مشکلات اقتصادی جامعه، فقر، فحشا و آسیب های اجتماعی، سبب پیدایش چالش هایی در مسیر رسیدن به تحقق جامعه آرمانی می شود. از دیگر موانع، اینکه رسانه ها طوری به مردم القا کنند که امید مهدوی، جزو فضاهای خیالی تاریخ است. اگر رسانه ها چنین کاری کنند، بدترین ضربه به مردم زده اند.

معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علمی کاربردی استان فارس با بیان اینکه رسانه ها کار اثباتی انجام ندهند، افزود: به طور مثال رسانه ها برای نقد یک مسئله منفی، به جای نمایش بعد مثبت و ارائه راه حل، مدام به بعد منفی آن مسئله، بپردازند. این امر، موجب درگیری ذهنی مردم با بعد منفی مسئله می شود. ترسیم مداوم فضای خوب، امنیت روانی مردم را به خطر نمی اندازد.

فتاحی از دیگر موانع، فساد اجتماعی و اقتصادی برشمرد و افزود: مثلاً در حال حاضر فساد اجتماعی بد حجابی در مقابل فساد اقتصادی هیچ است. فساد اقتصادی، سبب لجبازی برخی جوانان و برخورد نامناسب آنان با موضوع حجاب، شده است. حجاب از فطریات انسان است. مخصوصاً خانم ها در وجود احساس نیاز به امنیت می کنند.



وی دانش های تخصصی ضروری برای خلق امید مهدوی برشمرد و ادامه داد: علوم مختلف مانند: علوم اجتماعی، روانشناسی، معرفت دینی و اخالقی، درک حقیقت انسان و نفس، هستی شناسی، انسان شناسی و ... است. طبق فرمایش حضرت علی (علیه السلام): «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ هرکس خود را بشناسد، قطعاً خدایش را خواهد شناخت.

نفس شناسی و معرفت نفس باید در نهاد فعالین مهدوی نهادینه و بخشی از وجودشان شود، تا بتوانند فعالیت کنند. وگرنه صرف علاقه، خیلی کار را پیش نمی برد. علاقه و انگیزه عمیق، باید سبب یادگیری و تسلط بر این علوم شود. تسلط بر علوم باعث درک عمیق وجود افراد و مراوده مناسب و ایجاد شوق، انگیزه در آنان می شود.

معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علمی کاربردی استان فارس با اظهار اینکه در اسلام دو مفهوم به منظور ساز و کارهای تشکیلاتی آمده است، افزود: یک بحث نظم و دیگری تقواست. حضرت علی (ع) فرمود: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم» شما را به تقوای الهی و نظم در کارهایتان توصیه می کنم.

همچنین در نماز جمعه نیز برای انسجام کارها به رعایت نظم توصیه می شود. تقوا، خلوص نیت و اخلاص در عمل موجب ارتقای سطح کارها و تاثیر گذاری بیشتر خواهد شد.

فرد باید برای پیاده سازی اخلاص، تقوا و نظم باید تدارک ببیند. نظم با استفاده از زمانبندی، مدیریت زمان، برنامه ریزی، تعهد به برنامه و عدم خروج از برنامه ایجاد می شود و با استفاده از معرفت شناسی، می تواند تقوا را تحقق بخشد.

دکتر فتاحی با بیان اینکه معنویت و معرفت به معنای شناخت اسلام، خود، هستی و ارتباط بین آن ها است، افزود: علامه جعفری چهار نوع ارتباط را برای انسان بیان می کند. ارتباط انسان با خودش، با خدا، هستی و سایر انسان ها. فرد اگر این چهار نوع ارتباط را در مراودات خود، خوب پیاده کند، میتواند بخشی از معرفت را درک و اجرا کند و به اخلاص برسد.

وی اظهار کرد: تقوا به معنای این است که فعالیت ها، افکار، خیالات و تصوراتتان بر مبنای عقل و شرع باشد. در واقع کارهایی که بر اساس عقل انجام نمی شود، مخالف تقواست. تقوا یعنی با حکم معرفت درونی عقل و معرفت بیرونی دین، کاری را انجام دهید. در واقع خارج از این قاعده، تقوا شکل نمی گیرد.

معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه علمی کاربردی استان فارس با اظهار اینکه اهمال حاصل سستی فکر و روح و روان است، ادامه داد: فکر سست و سختی نکشیده، فکر اهمال کار است. بزرگان می گویند: انسان با ریاضت، قوی و با علم و عبادت؛ خوب و مثبت و الهی می شود. اهمال کاری و تنبلی و کار بدون درک، انگیزه و شوق به دلیل نداشتن سختی و پختگی الزم است. فکر تنها در زمینه فکر، تاثیر حداقلی در دنیا دارد و تاثیر حداکثری آن در عرصه اجتماع ظهور می یابد.

دکتر فتاحی افزود: فرد فعال، جدی، پرتلاش می تواند سختی های بسیاری را تحمل کند و کار را به نتیجه





برساند. البته کار هم دشوار است. انا خلقنا الانسان فی کبد، معنای آیه این است که انسان وقتی که سختی بکشد، انسان می شود. او تا زمانی رنج و سختی نکشد؛ به مقامی هم نمی رسد. دلیل اهمال کاری انسان، خود ساخته نبودن اوست. بسیاری از انسان های الهی قبل از امام خمینی، نتوانستند جامعه را در به سمت ظهور هدایت کنند. زیرا پختگی، درک عمیق و خودساختگی لازم را نداشتند.

وی تصریح کرد: جوان دارای خلا معنویت و شوق درونی، خواهان فهم و چشیدن مفهوم عالم، متافیزیک، ملکوت و عالم پس از مرگ است. اما زمانی پاسخ می گیرد که این فکر و اقتضای معنوی توسط عالمی سیراب گردد. اولین عامل این خلا، فاصله گرفتن از معرفت، عرفان و شهود حقیقی است. این خلا، شوق و احساس نیاز و دوری از معرفت حقیقی موجب جذب آنان توسط عرفان های متافیزیکی همراه با گناه، فحشا، مخالف شرع می شود.



سه‌شنبه‌های مهدوی



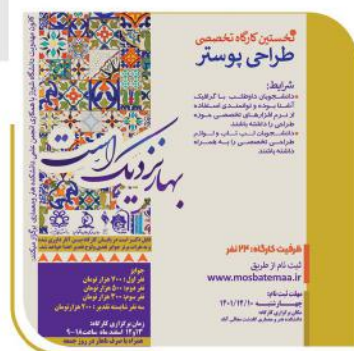
سه‌شنبه‌های مهدوی از تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه تا ۴ خردادماه توسط اعضای کانون مهدویت در پردیس دانشگاه شیراز برگزار شد. این برنامه هفتگی که شامل بخش‌های متنوع از جمله: اجرای گروه سرود، اهداء هدیه‌های متنوع و محتوای مهدوی، پذیرایی و پخش آواهای مهدوی بود با استقبال خوبی از سمت دانشجویان همراه شد. در آخرین سه‌شنبه، ریاست محترم دانشگاه شیراز، جناب آقای دکتر مؤذنی، در برنامه شرکت کردند و ضمن تشکر و خدا قوت به اعضای کانون، شنوای صحبت‌های صمیمانه دانشجویان حاضر بودند.

فاطمه جاوید

(دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز)

سه‌شنبه‌های مهدوی





بهار نزدیک است



مراسم تقدیر از برگزیدگان نخستین کارگاه تخصصی پوستر «بهار نزدیک است»

این مراسم با حضور مدیریت محترم فرهنگی آقای دکتر مومن زاده، آقای استاد محسن گل آرایش مدرس کارگاه، دبیر و اعضای شورای مرکزی کانون مهدویت و برگزیدگان برگزار شد. در ابتدا دبیر کانون، خانم فاطمه جاوید، بیان کرد که کانون مهدویت کارگاه «رویداد بهار نزدیک است» را به مناسبت نیمه شعبان برگزار نمود؛ ایشان علت نام گذاری را این گونه توضیح داد: «منظور از بهار، وجود مقدس صاحب الزمان علیه السلام است که بر طبق روایات اسلامی از این وجود نازنین به نضرة الایام یعنی بهار دوران تعبیر شده است، همچنین افزود علت دیگر نام گذاری، نزدیک بودن بهار طبیعت، بهار قرآن و ایام مبارک ماه رمضان در روز های برگزاری کارگاه می باشد.» در ادامه مدیریت فرهنگی ضمن قدردانی از کانون مهدویت و تبریک به برگزیدگان؛ نقطه نظرات و پیشنهادات برای مناسبت های آینده کانون را بیان کرد.

مدرس کارگاه، آقای استاد محسن گل آرایش، ضمن ابراز خرسندی از برگزاری نخستین کارگاه تخصصی طراحی پوستر به عنوان تجربه جدید، همزمان با نمایش آثار برگزیدگان، زوایای نگاه هنرمندان در آثارشان را توضیح داد.

در پایان با اهداء هدیه های نقدی و لوح تقدیر مزین به گل های آفتاب گردان که نماد انتظار برای طلوع خورشید است از برگزیدگان تقدیر شد. در ادامه برگزیدگان حاضر به بیان دیدگاه ها و احساسات خود در مورد آثارشان پرداختند.

بهار نزدیک است





فرشی از بهشت

« کانون مهدویت مسابقه فرشی از بهشت را هم‌زمان با ایام پر خیر و برکت میلاد امام زکوة، رضا علیه السلام برگزار کرد؛ در این برنامه شرکت کنندگان باید هشت حدیث منتخب کانون را برای دیگران ارسال کرده و از پیام های ارسالی خود عکس می‌گرفتند.



پویش حال خوب

به یاد سخاوت دستاویز هنرمندی که نقاش سفره های رنگین محرومان بود! به یاد دردانه مولای غدیر، علی (ع)! هم‌زمان با ایام عید غدیر کانون مهدویت با همراهی سایر کانون های دانشگاه شیراز اقدام برگزاری پویش حال خوب ۳ کرد. در این پویش که نمادی از همدلی و حس هم‌نوع دوستی کانون های فرهنگی دانشگاه شیراز بود مبلغ هشت میلیون تومان جمع آوری و تبدیل به شانزده بسته معیشتی برای خانواده های کم بضاعت شد.



هدایای غدیری

« به مناسبت فرارسیدن عید با شکوه غدیر خم، کانون مهدویت دانشگاه شیراز به دانشجویان عیدانه تقدیم کرد. این هدایا شامل: یک عدد تسبیح وزین و زیبا با پلاک امیر المؤمنین علیه السلام، جای گرفته در جعبه مخصوص هدیه غدیری، تعدادی شکلات، یک عدد پیکسل و دفترچه یادداشت های غدیری بود که به همراه کیف کاغذی به دانشجویان اهدا و باخوشحالی و استقبال بسیار خوب دانشجویان روبرو شد.





فصلنامه فرهنگی اجتماعی کانون مهدویت دانشگاه شیراز

سال چهارم، شماره چهارده، تابستان ۱۴۰۲

 markazmahdaveat

